

# مردم‌سالاری دینی، احزاب و نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی<sup>۱</sup>

بیژن عباسی \*

محمدحسین صادقی \*\*

## چکیده

رقابت سیاسی منجر به افزایش مشارکت سیاسی می‌شود و تشکیل احزاب در نهادینه کردن رقابت سیاسی و به تبع آن، مشارکت سیاسی تأثیر معناداری خواهد داشت. از سوی دیگر، نظام انتخاباتی بر نوع نظام حزبی یک کشور تأثیر خواهد گذاشت. از آنجا که نظام مردم‌سالاری دینی، مشارکت دادن عامه‌ی مردم در تعیین سرنوشت سیاسی از وظایف دولت (کل حاکمیت) است، لذا ضرورت اصلاح نظام انتخاباتی به خصوص انتخابات مجلس شورای اسلامی جهت نهادینه کردن نقش احزاب در انتخابات و شکل‌گیری نظام حزبی که در آن، در عوض رقابت‌های سطحی و شخصی میان نامزدهای انتخاباتی، رقابت‌های برنامه محور احزاب مؤثر و فراگیر جایگزین شود، درک خواهد شد. آن نظام انتخاباتی شایسته و مناسب خواهد بود که از یک سو، با مبانی اسلامیت و جمهوریت مردم‌سالاری دینی سازگار باشد و از سوی دیگر، هرچه بیش تر مشارکت حداکثری و کارآمدی نظام سیاسی و دولت را محقق سازد.

## واژگان کلیدی

حزب، نظام انتخاباتی اکثریتی، نظام انتخاباتی تناسبی، انتخابات مجلس، مشارکت حداکثری، کارآمدی نظام سیاسی، عدالت انتخاباتی.

---

<sup>۱</sup> تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۴/۱۵

\* دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه تهران ( نویسنده مسئول مقاله):

از راه انتخابات به عنوان یکی از مهم‌ترین سازوکارهای تحقق مردم‌سالاری و جمهوری می‌توان مشارکت سیاسی شهروندان را تضمین کرد. از آنجایی که انتخابات امری است که زیرمجموعه‌ی نظام سیاسی حاکم تعریف می‌شود، در تبیین انتخابات یک کشور می‌بایست شرایط حقوقی و سیاسی حاکم بر نظام مستقر را در نظر گرفت. علی‌الاصول سازوکارهای حقوقی، انعکاسی از گفتمان هژمونیک در عرصه‌ی سیاسی هستند و انتخابات یکی از مؤلفه‌های نظام سیاسی و گفتمان غالب در این نظام است. بنابراین، نظام انتخاباتی ناقص می‌تواند در نوع قرائت حکومت شونده‌گان از نظام سیاسی مؤثر واقع شود. انتخاباتی مطلوب است که مشارکت فعال و واقعی شهروندان را تضمین کند. در این چهارچوب و رویکرد، نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی، موضوع مورد مطالعه‌ی این مقاله است و در این میان می‌بایست مبانی نظام دینی نیز مورد بررسی قرار گیرد. در نگاه نخست به نظر می‌رسد که نظام انتخاباتی مجلس نتوانسته ارتباط مؤثر و واقعی میان انتخابات‌کنندگان و انتخاب‌شونده‌گان برقرار سازد، لذا اصلاح نظام انتخاباتی آن در جهت افزایش مشروعیت نمایندگان مجلس ضروری خواهد بود.

پرسش اصلی که در این رابطه مطرح می‌شود این است که معایب نظام انتخاباتی موجود چیست و چگونه می‌توان این معایب را برطرف کرد؟ سوالات فرعی عبارتند از: یکم، نسبت مردم‌سالاری دینی با احزاب و نظام انتخاباتی چگونه تحلیل می‌شود؟ دوم، رابطه‌ی نظام انتخاباتی با نظام حزبی چگونه است؟ و سوم، احزاب در فرآیند انتخابات و مشروعیت نظام سیاسی چگونه می‌توانند مؤثر واقع شوند و به تعبیری کدام نظام انتخاباتی است که می‌تواند مشارکت مؤثر احزاب را تضمین کند؟ فرضیات تحقیق عبارتند از: نظام انتخاباتی اکثریتی موجود مجلس و تنزل از اکثریت مطلق به یک سوم و سپس به یک چهارم فاقد توجیه و نامناسب بوده و با مشارکت دادن عامه‌ی مردم در تعیین سرنوشت و اتکاء به آرای عمومی مندرج در قانون اساسی سازگار نمی‌باشد. رویکرد رسمی به احزاب چه در قانون اساسی و چه در اندیشه‌ی سیاسی رهبران نظام، یک رویکردی موافق بوده، اما در عمل شاهد حضور مؤثر و چشمگیر احزاب در انتخابات مجلس نبوده‌ایم و یکی از مهم‌ترین علل عدم شکل‌گیری احزاب مؤثر و فعال، نظام انتخاباتی مجلس بوده است. برای شکل‌گیری نظام حزبی می‌بایست نظام انتخاباتی را در جهت نظام تناسبی اصلاح کرد.

## ۱- پیشینه تحقیق

در این رابطه، تحقیق مستقلی که هم‌مبانی مردم‌سالاری دینی در رابطه با احزاب و نظام انتخاباتی را کنکاش کرده و در ضمن، پیشنهادی برای اصلاح نظام انتخاباتی ارائه داده باشد، وجود ندارد. اما برخی مراکز پژوهشی بر تأثیرگذاری نظام انتخاباتی مجلس بر نظام حزبی، گزارش‌های پژوهشی تهیه کرده‌اند. در کتاب‌های حقوق اساسی و علوم سیاسی به طور کلی، به احزاب سیاسی و نظام انتخاباتی که قاعده‌ی حکومت اکثریت است، پرداخته شده و در بخش حقوق اساسی ایران نیز انتقاداتی به اکثریت خاص مقرر در قانون انتخابات مجلس وارد دانسته‌اند.

سامان دهی تحقیق: این مقاله در سه مبحث کلیات (لوازم مردم‌سالاری دینی، حزب و نظام انتخاباتی)، مردم‌سالاری دینی و انتخابات و در نهایت نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی، تغییر نظام انتخاباتی مجلس را در جهت تأمین مشارکت سیاسی مؤثر پیشنهاد داده است.

## ۲- کلیات

هدف اصلی دستیابی به نتایجی برای اصلاح نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی است، در این بین ابتدا می‌بایست ابعاد مردم‌سالار نظام دینی بررسی شود، سپس مفهوم احزاب سیاسی و کارویژه‌های آنان تبیین شود و در نهایت، انواع نظام

## ۲-۱- لوازم مردم‌سالاری دینی

ویژگی مردم‌سالاری دینی در ایران، تجمع دموکراسی و ارزش‌های دینی است. بدین معنا که جمهوریت نظام، نماینده‌ی گرایش مردم‌سالار آن است و عناصر و ارزش‌های ماهوی آن، ارزش‌های دینی می‌باشد. جمهوری، شکل و اسلام، محتوای نظام سیاسی است و البته محتوای اسلامی نیز مبنایی بر اساس خواست اکثریت مردم دارد. اسلام نسبت به شکل حکومت نظری خاص ندارد، بلکه آن را به عرف واگذار می‌کند، هم‌چنان که آموزه‌های یک دولت لیبرال یا حداقلی جهت‌گیری نظام حاکم را مشخص می‌کند و شکل حکومت ممکن است تفاوتی با آموزه‌های یک دولت رفاه اجتماعی نداشته باشد. در هر دو نظام، شکل، جمهوری و انتخابی است، اما ارزش‌ها و جهت‌گیری متفاوت است. اگر خواست مردم یا اکثریت آنان، حاکمیت دینی باشد، عمل به خواست آنان و تشکیل حکومت دینی، عین دموکراسی خواهد بود. لائیک یا سکولار بودن حکومت و غیر اسلامی بودن آن نه مقوم دموکراسی است و نه شرط آن.<sup>۲</sup> هم‌چنین نظر به اینکه اکثریت مردم ایران را مسلمانان تشکیل می‌دهند به خاطر مشارکت قاطع دارندگان حق رأی در همه‌پرسی تعیین نظام سیاسی کشور، مفاهیم جمهوری و اسلامی قابل جمع به نظر می‌رسد.<sup>۳</sup> لذا تضاد جمهوریت و اسلامیت یک تضاد ظاهری به نظر می‌رسد، حکومت جمهوری یک مفهوم و شکل است که در جوامع مختلف خواست اکثریت مردم را منعکس می‌کند در جامعه اسلامی خواست اکثریت مردم اجرای احکام دین است و جمهوری، شکلی است که این خواسته را محقق می‌سازد. بنابراین، دموکراسی دینی امری ممکن است.

حتی در نظام دینی مبتنی بر حاکمیت انتصابی فقیه نیز، رأی مردم در مرحله‌ی اثبات، مشروع است. توضیح آنکه از منظر غالب فقها ولایت فقیه جامع‌الشرايط در همه حالات ثابت است؛ اما اعمال آن و به عهده گرفتن سرپرستی بستگی به نظر اکثریت مردم دارد، چرا که در صورت عدم همکاری مردم، نظام اسلامی عملاً محقق نخواهد شد.<sup>۴</sup> قرائت فقهی بنیان‌گذار نظام اسلامی از ولایت فقیه نیز مبتنی بر نظریه‌ی نصب است و این نظریه با استناد به شش روایت اصلی و چندین حدیث به عنوان تایید و نیز استدلال عقلی به اثبات رسیده است.<sup>۵</sup> ولایت فقیه، نصب عام است و نقش مردم در مقام اثبات و تحقق و اجراء خواهد بود.<sup>۶</sup> در این نظریه، در مقام ثبوت، ولایت برای فقیه جامع‌الشرايط است، اما اثبات آن نیازمند مشارکت و خواست مردم است که در قالب رأی و انتخابات متجلی می‌شود.

برخی با این استدلال که «یا باید واقعاً معتقد به ولایت شرعی فقیه منصوب بود یا باید قائل به انتخاب زمامدار به عنوان وکیل مردم بود و این دو در صورت رعایت تمام خصلت‌های ذاتی هر یک با دیگری قابل جمع نیستند»، معتقدند چاره‌ای جز تصرف در پاره‌ای مبانی و ضوابط ولایت فقیه یا جمهوریت نداریم.<sup>۷</sup> موجه کردن دموکراسی دینی و لوازم آن در پرتو اعتقاد به نظریه‌ی انتخاب یا نظریه نصب است. هرچند برخی معتقدند هیچ یک از دو نظریه‌ی نصب یا انتخاب در موقعیتی نبوده است که بتواند فضای عمومی اندیشه و زندگی سیاسی را در انحصار خود درآورد. به همین لحاظ می‌توان گفت نظریه‌های جمهوری اسلامی هنوز در دایره دوگانگی این تفسیرها و الزامات ناشی از آن قرار دارد. باید منتظر آینده تحولات فکری - سیاسی جامعه

۲. منتظری، حسینعلی، حکومت دینی و حقوق انسان، تهران، نشر سرایی، چ اول، ۱۳۸۷، ص ۳۵

۳. هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر میزان، چ نهم، ۱۳۸۸، جلد ۱، ص ۸۵

۴. کعبی، عباس، شرح فقهی اصل اول قانون اساسی، تهران، مرکز تحقیقات شورای نگهبان، ۱۳۹۲، ص ۲۱

۵. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، تهران، نشر امیرکبیر، چ اول، ۱۳۸۳، جلد ۸، ص ۳۴۳

۶. جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه، قم، نشر اسراء، چ دهم، ۱۳۸۹، ص ۴۰۲

۷. کدیور، محسن، حکومت ولایی، تهران، نشر نی، چ چهارم، ۱۳۸۰، ص ۲۰۹

بود تا بتوان نسبت به اجماع درباره‌ی حذف و تقویت هر یک از این دو تفسیر در فضای عمومی جامعه داوری کرد؛<sup>۸</sup> اما بین این دو نظریه می‌توان وجه مشترکی یافت و آن این است که در هر دو نظریه برای تحقق حکومت اسلامی، مردم نقش دارند و همین نکته کافی است که لوازم دموکراسی دینی موجه شود، یعنی در نهایت جدا از اینکه حاکم اسلامی منصوب است یا منتخب مردم، این مردم هستند که در قالب‌هایی عرفی مانند انتخابات و احزاب که ناشی از حکومت جمهوری است، مشارکت مؤثر دارند. بنابراین، جمهوری در نظام مردم‌سالاری دینی مانند سایر جمهوری‌هاست؛ اما ارزش‌های اسلامی مانع از این می‌شود که توقع از آن یک دموکراسی آزاد، مانند جمهوری فرانسه باشد و لذا دموکراسی مکتبی یا متعهد جانشین آن می‌شود. در دموکراسی مکتبی اساس حکومت مبتنی بر عقیده و مسلک خاص سیاسی و مذهبی است و برعکس دموکراسی آزاد، اصل کثرت‌گرایی تحت الشعاع ایدئولوژی سیاسی و دینی برتر قرار می‌گیرد.<sup>۹</sup> قرائت از جمهوری اسلامی یا دموکراسی مکتبی باید به گونه‌ای باشد که با ارزش‌های منعکس در قانون اساسی مانند بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی، محو هرگونه استبداد و خودکامگی یا انحصارطلبی، تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون، مشارکت عامه‌ی مردم در تعیین سرنوشت (اصل سوم) و اتکاء به آرای عمومی (اصل ششم) سازگار باشد و قالب‌های مندرج در قانون اساسی مانند آراء عمومی از راه انتخابات (اصل ششم) و آزادی احزاب (اصل ۲۶) را به رسمیت بشناسد. بنابراین، باید لوازم مردم‌سالاری دینی را در حدود و قالب نظام، شناسایی و اعمال کرد. یکی از مهم‌ترین لوازم دموکراسی دینی مشارکت همگانی مردم از طریق انتخابات است. در جمهوری اسلامی، اغلب مقامات عالی نظام از طریق انتخابات مستقیم یا غیرمستقیم و در قالب نظام یا اصل نمایندگی، انتخاب می‌شوند. اصل نمایندگی یکی از اصول حکومت دموکراتیک است و فلسفه‌ی وضع این اصل، عدم امکان مشارکت مستقیم مردم در حکومت است و این چنین تعریف شده است: «اصل نمایندگی مبنای مشارکت غیرمستقیم مردم در حکومت از طریق نمایندگان خویش است... البته اصل نمایندگی منتقدانی مانند روسو نیز دارد که معتقدند این اصل میان مردم و نمایندگان فاصله می‌اندازد و در نتیجه، اغلب میان علائق و عقاید نمایندگان و مردم فاصله پیدا می‌شود».<sup>۱۰</sup> از طرفی انتخابات و نظام انتخاباتی نیز بر همین اصل تعریف می‌شود. «انتخابات، مجموعه عملیاتی است که در جهت‌گزینش فرمانروایان یا تعیین ناظرانی برای مهار کردن قدرت، تدبیر شده است. از این دیدگاه، انتخابات به معنای فنون‌گزینش و شیوه‌های مختلف تعیین نمایندگان است. ابزاری است که به وسیله آن می‌توان اراده شهروندان را در شکل‌گیری نهادهای سیاسی و تعیین متصدیان اعمال اقتدار سیاسی مداخله داد».<sup>۱۱</sup> انتخابات یکی از روش‌های رأی‌دادن به منظور برگزیدن زمامداران به صورت مردم‌سالار است و سازوکاری می‌باشد که در حدود اصل نمایندگی توجیه می‌شود. نوع نظام انتخاباتی باید به گونه‌ای باشد که بیش‌ترین ارتباط میان مردم و نمایندگان برقرار شود و نمایندگان، نماینده‌ی واقعی افکار عمومی تلقی شوند. بنابراین، در تعیین نوع نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی باید لوازم دموکراسی دینی یعنی مشارکت همگانی، آزادی احزاب و افزایش وزنه‌ی سیاسی نمایندگان رعایت شود.

## ۲-۲- احزاب سیاسی

احزاب، یکی از معیارهای شکل‌گیری جامعه مدنی است و به عنوان نهادهای واسط میان مردم و حاکمیت عمل کرده و از پراکندگی آرای رأی‌دهندگان به هنگام انتخابات جلوگیری می‌کنند. مشارکت سیاسی بدون رقابت سیاسی تنها به تثبیت

<sup>۸</sup> فیرحی، داوود، *نظام سیاسی و دولت در اسلام*، تهران، نشر سمت، چ نهم، ۱۳۹۱، ص ۲۹۰ و ۲۹۱

<sup>۹</sup> هاشمی، سید محمد، *حقوق اساسی و ساختارهای سیاسی*، تهران، نشر میزان، چ اول، ۱۳۹۰، ص ۲۳۵

<sup>۱۰</sup> بشیریه، حسین، *درس‌های دموکراسی برای همه*، تهران، نشر نگاه معاصر، چ سوم، ۱۳۸۷، دانش سیاسی ۱، ص ۱۰۸ و ۱۱۰

<sup>۱۱</sup> قاضی، ابوالفضل، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، تهران، نشر میزان، چ دوازدهم، ۱۳۸۳، ص ۵۷۷

ناقص قدرت مستقر می‌انجامد و می‌تواند زمینه ساز بحران مشروعیت برای نظام سیاسی باشد و نقش احزاب سیاسی دقیقاً در همین نکته است که موجب افزایش رقابت در انتخابات می‌شود. اهمیت احزاب سیاسی تا بدانجاست که می‌تواند ضعف مشروعیت ایدئولوژی دموکراسی در مقایسه با دیگر ایدئولوژی‌ها مطرح در یک جامعه را جبران کند و موجب تحکیم و تثبیت مردم‌سالاری گردد. توضیح آن که بعد از پذیرش قانون اساسی در جامعه، می‌توان از گام اول حقوق اساسی و دولت حقوقی سخن گفت؛ اما این به معنای تحکیم دموکراسی در آن جامعه نیست. دو طریق برای تحکیم دموکراسی وجود دارد: ۱- افکار عمومی آن جامعه، مردم‌سالاری را نظریه مطلوب مشروعیت قدرت سیاسی بدانند. ۲- از طریق سازمان دهی احزاب، دموکراسی تحکیم شود. در نظریه مورلینو، دموکراسی در ایتالیا این چنین تثبیت شد که از یک طرف به دلیل سلطه کلیسای کاتولیک و از سوی دیگر اشاعه ایدئولوژی کمونیسم و سوسیالیسم، دموکراسی به عنوان ایدئولوژی از مشروعیت چندانی در آغاز (دهه ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰) برخوردار نبود، اما ائتلاف نیروهای دموکراتیک در طی پانزده سال پس از سال ۱۹۴۸ از احزاب دموکراسی مسیحی، لیبرال، جمهوری خواه و سوسیال دموکرات تشکیل می‌شد. بدین سان در ایتالیا محور سازماندهی حزبی نیرومندتر از محور مشروعیت و اجماع دموکراتیک بود<sup>۱۲</sup> و موجب تثبیت دموکراسی در ایتالیا شد. هرچند تعدد احزاب متعدد و تکثرگرایی افراطی احزاب و در نتیجه‌ی حکومت‌های ائتلافی، خود مهم‌ترین مشکل ساختاری ایتالیا تلقی شده است<sup>۱۳</sup>، اما در نهایت وجود احزابی که از افکار عمومی نمایندگی کنند، ویژگی مردم‌سالاری است و قابل انکار نمی‌باشد.

بعد از تبیین اهمیت احزاب، می‌بایست میان احزاب و گروه‌های فشار ذی نفوذ تفاوت قائل شد. تفاوت این دو در این است که حزب رسماً برای دست یابی به قدرت مبارزه می‌کند، اما گروه‌های مذکور تنها گروه‌های محفلی و کوچک هستند که درصدد فرصت‌طلبی می‌باشند و اهدافی مقطعی برای نفوذ در قدرت دارند. احزاب سیاسی با گروه‌ها و دسته‌های سنتی نیز متفاوت هستند. نظریه پردازان دو رویکرد کلی به احزاب سیاسی داشته‌اند: ۱- رویکرد سازمانی: اندیشمندی مانند موریس دو ورژه و لاپالامبارا و واینر به احزاب به مثابه یک سازمان موثر بر جامعه سیاسی می‌نگریسته‌اند. لاپالامبارا و واینر چهار صفت یا شرط برای احزاب جدید قائل شده‌اند که مورد پذیرش همگان است: ۱- داشتن یک سازمان دائمی که دوام آن وابسته به حیات رهبران فعلی نباشد. ۲- در سطح ملی فعالیت داشته باشند. ۳- قصد آگاهانه آنان به دست گرفتن قدرت باشد. ۴- در پی کسب حمایت عمومی از طریق انتخابات باشند<sup>۱۴</sup>. در این چهار ویژگی تاکید بر سازمان و کار تشکیلاتی شده است. دسته‌ای دیگر از تعریف‌های حزب سیاسی، ریشه در رویکرد کارکردگرایان دارد. کارکردگرایان بر اساس نگاه خود بر این باورند که فصل ممیز احزاب از دیگر گروه‌های اجتماعی و سیاسی را باید در کارویژه‌ها و نقش‌های جدیدی جست و جو نمود که احزاب نوین عهده دارند و گروه‌های پیشین از آنها به کلی به‌دور بودند. تعریف‌های پژوهشگرانی چون فرانک‌جی سوروف را می‌توان از این منظر مورد ارزیابی قرار داد. وی که شدیداً از واقعیت جامعه‌ی آمریکا متأثر است، مهمترین وظیفه‌ی احزاب سیاسی را در تبلیغات انتخاباتی خلاصه می‌کند. وی با برجسته نمودن نقش احزاب در تبلیغات انتخاباتی، ساختار و شکل سازمانی احزاب را متأثر از محیطی می‌داند که احزاب در آن به فعالیت مشغولند. فعالیت انتخاباتی به عنوان مهم‌ترین کارویژه احزاب سیاسی، توجه بسیاری از محققان را به خود جلب کرده است. از دیدگاه اپشتاین نیز مهمترین نقش و وظیفه‌ی احزاب سیاسی در سازمان‌دهی انتخابات و جهت‌دهی به آراء رأی‌دهندگان خلاصه می‌شود<sup>۱۵</sup>. به نظر می‌رسد رویکرد صحیح به احزاب نیز رویکرد کارکردی باشد چرا که کارکرد اصلی احزاب در ارتباط مستقیم با انتخابات است و در اصل، شکل‌گیری احزاب سیاسی مدرن از

<sup>۱۲</sup>. بشیریه، حسین، گذار به مردم‌سالاری، تهران، نشر نگاه معاصر، ۱۳۸۷، دانش سیاسی ۸، ص ۸۷

<sup>۱۳</sup>. نقیب زاده، احمد، سیاست و حکومت در اروپا، تهران، نشر سمت، ۱۳۸۹، ص ۲۳۴

<sup>۱۴</sup>. نقیب زاده، احمد، همان، ص ۴۹

<sup>۱۵</sup>. ایوبی، حجت الله، مبانی علم سیاست، احزاب و ایدئولوژی، ۱۳۹۰، پایگاه اینترنتی شخصی

درون انتخابات قوه ی مقننه بوده است. بدین معنا که گروه‌ها و داوطلبان همفکر و همسو به صورت مشترک برنامه می دادند و سعی در جلب آرای مردم داشتند. «پس از تشکیل گروه‌های نامزدها و نمایندگان مجلس و گروه‌های انتخاباتی اغلب میان این دو گروه همکاری و پیوند دایمی پدید می آمد، تا در انتخابات آینده قوه ی مقننه یا انتخابات محلی و فعالیت‌های سیاسی دیگر برنامه‌های هماهنگ داشته باشند و کم کم احزاب سیاسی واقعی می شدند.<sup>۱۶</sup> بنابراین احزاب، را باید با تأکید بر کارویژه مهم آنان یعنی انتخابات تعریف کرد، اما برخی صاحب‌نظران به کارکردهای دیگر احزاب اشاره داشته‌اند و کارویژه احزاب را تنها محدود به انتخابات نمی‌دانند. از جمله کارکردهایی مانند افزایش آگاهی سیاسی مردم، شکل دادن به زندگی سیاسی از طریق ایجاد وجدان سیاسی در مردم و جهت دادن به افکار عمومی، القای دکترین سیاسی، معرفی کردن نامزدها که تربیت شده‌ی احزاب هستند و حزب مانند پلی، طرفین قرارداد اجتماعی را به هم وصل می کند و در نهایت، انتخاب شدگان را سازمان می دهد، بدین معنا که انتخاب شدگان با تبادل اطلاعات و هماهنگی قبلی برنامه ی اعلامی حزب را در مجلس پی می گیرند. هم چنین احزاب در حفظ نظام سیاسی مؤثر هستند. وجود احزاب مخالف از حرکت سیاسی خشونت آمیز علیه نظام جلوگیری می‌کند.<sup>۱۷</sup> با وجود این کارکردها در نهایت باید گفت انتخابات از ویژگی‌های ذاتی احزاب سیاسی است و مقوم مفهوم حزب می‌باشد، درحالی که دیگر کارکردها، عرضی و خارج از ماهیت حزب هستند.

به لحاظ حقوقی، احزاب توسط قوانین اساسی کشورها به رسمیت شناخته شده‌اند. برای نمونه، ماده‌ی ۴ قانون اساسی فرانسه مقرر می‌دارد: «احزاب و گروه‌های سیاسی در بیان آراء و عقاید ملی مشارکت دارند. آن‌ها آزادانه تشکیل شده و فعالیت می‌کنند و باید اصول حاکمیت ملی و مردم‌سالاری را رعایت کنند». پس از به رسمیت شناخته شدن این نهادها در قانون اساسی، قوانین و مقررات متعددی وضعیت حقوقی احزاب و تامین مالی فعالیت‌های آنان را از راه درآمدهای عمومی یا غیره روشن می‌کنند.<sup>۱۸</sup>

## ۲-۳- نظام انتخاباتی

افزایش مشارکت سیاسی در انتخابات مجلس رابطه‌ای مستقیم با نظام انتخاباتی دارد. نظام انتخاباتی به مثابه سازوکار انتخابات، احزاب و جریان‌های سیاسی را وارد فرآیند انتخابات می‌کند. از مؤلفه‌های نظام انتخاباتی مطلوب، به رسمیت شناختن موثر، احزاب و جامعه‌ی مدنی است. نظام انتخاباتی مطلوب است که حاوی معیارهای یک انتخابات آزاد، سالم و منصفانه، به عنوان معیارهای تحقق اصل نمایندگی و مردم‌سالاری، باشد. اصول و معیارهای مذکور در اعلامیه‌ی راجع به معیارهای انتخابات آزاد و منصفانه‌ی مصوب ۱۹۹۴ اتحادیه‌ی بین‌المجالس منعکس شده است.

نظام انتخاباتی قواعدی فنی برای انتخاب داوطلبان به عنوان نماینده در یک انتخابات است. برابر این نظام‌ها، شیوه‌های اعمال حق رأی، روش‌های محاسبه‌ی نتایج انتخابات و مبانی که براساس آن کرسی‌های مورد رقابت در انتخابات تقسیم می‌شود، مشخص می‌گردد. معمولاً نوع نظام انتخاباتی در قانون اساسی ذکر نمی‌شود، بلکه این امر در اختیار قوه‌ی مقننه است تا از راه وضع قانون عادی در این‌باره تعیین تکلیف نماید. برحسب این که در امر انتخابات و نمایندگی کارآمدی و یا عدالت و انصاف انتخاباتی را مدنظر قرار دهیم دو سامانه‌ی انتخاباتی اکثریتی و تناسبی در برابر یکدیگر قرار می‌گیرند.<sup>۱۹</sup>

الف- نظام اکثریتی: در این نظام، نامزد یا فهرستی انتخاب می‌شود که بیشترین آرا را به دست آورده باشد. در این نظام،

<sup>۱۶</sup>. ابوالحمد، عبدالحمید، مبانی سیاست، تهران، نشر توس، ۱۳۸۴، ص ۴۱۲

<sup>۱۷</sup>. نقیب زاده، احمد، همان، ص ۵۶ تا ۵۹

<sup>۱۸</sup>. عباسی، بیژن، مبانی حقوق اساسی، تهران، نشر جنگل، ۱۳۸۹، ص ۲۰۹

<sup>۱۹</sup>. عباسی، بیژن، همان، ۲۵۱

پنج روش را می توان از هم بازشناخت: ۱- اکثریتی ساده یا نسبی ۲- رأی دسته جمعی ۳- دسته جمعی حزبی ۴- رأی بدیل ۵- دو مرحله ای<sup>۲۰</sup>. در این میان، نظام دسته جمعی حزبی یا فهرستی با نظام حزبی بیشترین سازگاری را دارد، چرا که مردم از میان فهرست‌های احزاب متفاوت، یک فهرست را انتخاب می کنند و حزبی که بیشترین رأی را آورده باشد، حزب حاکم یا پیروز خواهد بود. نظام فهرستی خود به دو شیوه اجرا می شود: فهرست بسته یا باز. در فهرست بسته، اراده ی رأی دهنده در دست حزب خواهد بود. یکی از معایب نظام اکثریتی یک مرحله‌ای این است که حزب یا داوطلب پیروز هر چند نسبت به رقبای خود بیشترین رأی را بدست آورده است، اما ممکن است قاعده‌ی حکومت اکثریت رعایت نشود و پیروز انتخابات در واقع، نماینده‌ی اقلیت جامعه باشد. این شیوه که در انگلستان اجرا می شود، در عمل گاهی بسیار غیردموکراتیک است<sup>۲۱</sup>، لذا برای رفع این مشکل نظام اکثریتی دو مرحله‌ای پیش‌بینی شده است که در مرحله‌ی اول پیروز انتخابات می‌بایست نصف به علاوه یک (اکثریت مطلق) آرای مأخوذه را بدست آورده باشد. در فرانسه که به موجب ماده ۱۲۳ قانون جامع انتخابات، نمایندگان مجلس ملی در رأی گیری اکثریتی دو مرحله‌ای انتخاب می شوند و حداقل رای لازم برای راه یافتن به مجمع ملی در دور اول کسب اکثریت مطلق آراء ریخته شده به صندوق و در دور دوم اکثریت ساده کفایت می کند. برای افزایش وزنه ی سیاسی آنان، به موجب قانون مصوب ۱۹ ژوئیه ی سال ۱۹۷۶، نامزدهایی که در دور نخست، دست کم ۱۲/۵ درصد آراء را بدست نیاورده باشند، نمی توانند در مرحله‌ی دوم حضور داشته و رقابت نمایند<sup>۲۲</sup>. از مزایای این نظام نسبت به اکثریت نسبی، مشروعیت بیشتر برندگان و از معایب آن، تشریفات اداری و بالا رفتن هزینه‌های انتخابات و در جوامعی که دارای اقلیت‌ها و گروه‌های متمرکز زیادی هستند منجر به بی ثباتی می شود<sup>۲۳</sup>.

ب- نظام تناسبی: نظام تناسبی در پاسخ به ایرادات نظام اکثریتی طراحی شده است و در این نظام انتخاباتی، اقلیت نیز به تناسب رأی خود دارای کرسی در مجلس خواهد شد. هدف این سامانه، برقراری عدالت در امر نمایندگی و نمایاندن دقیق گرایش های سیاسی موجود در کشور است<sup>۲۴</sup>. اگر طرفداران حزب های X و Y و Z به ترتیب ۱۰ و ۲۵ و ۱۵ درصد کل جمعیت را در یک کشور شامل شوند، ترکیب نمایندگان در مجلس تقریباً به همین نسبت خواهد بود<sup>۲۵</sup>. نظام انتخاباتی تناسبی بیش از نظام اکثریتی، مردم و گروه‌های سیاسی و اجتماعی را به مشارکت در انتخابات تشویق می کند و می تواند مشوق و منجر به تکثرگرایی احزاب و رأی دادن بر مبنای فهرست‌های حزبی گردد. این نظام ضرورتاً فهرستی است و هر حزب به تعداد کرسی های خالی هر حوزه، فهرست حاوی نامزدهای خود را معرفی می کند، ولی برخلاف انتخابات اکثریتی، فهرستی که بیشترین آراء را بدست آورد، صاحب همه کرسی‌ها نمی شود، فهرست‌های دیگر نیز در صورت احراز حدنصاب لازم برای حضور در شمارش آراء دارای کرسی خواهند شد<sup>۲۶</sup>. نظام های تناسبی به عدالت بسیار نزدیکتر هستند، چرا که بیان کننده‌ی واقعی افکار عمومی در مجلس و دولت می باشند، اما دولت‌های ناشی از این نظام انتخاباتی غالباً ناپایدار و مبتنی بر ائتلاف های شکننده‌اند<sup>۲۷</sup>، لذا آن دسته از علمای سیاسی و حقوق عمومی که بیش از هر چیز به ثبات دولت می‌اندیشند و آن را از عوامل

۲۰. مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، گزارش پژوهشی نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی و پیامدهای آن، ۱۳۹۲، ص ۴

۲۱. ایوبی، حجت الله، اکثریت چگونه حکومت می کند، تهران، نشر سروش، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۲۰۴

۲۲. عباسی، بیژن، همان، ص ۲۵۷

۲۳. خسروی، حسن، حقوق انتخابات دموکراتیک، تهران، نشر مجد، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۲۱۴

۲۴. عباسی، بیژن، همان، ص ۲۵۹

۲۵. احمدی، علی، انتخابات در ایران، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۹، ص ۱۲۳ و ۱۲۴

۲۶. عباسی، بیژن، همان

۲۷. ایوبی، حجت الله، همان، ص ۲۰۷

پایه‌ای پیشرفت جامعه می‌پندارند، نمی‌توانند با نظر انتقادی به این گونه انتخابات ننگرند. زیرا قطعه قطعه شدن افکار عمومی به گرایش‌ها و گروه‌ها و احزاب، به هر دلیلی که باشد، دائماً تنش‌ها و تعارض‌ها را در جامعه افزایش می‌دهد و دولت‌ها را وا می‌دارد که به جای اجرای برنامه، درصدد خنثی کردن فشار خواست‌های مختلف این دسته جات باشند<sup>۲۸</sup>. مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد که بسیاری از کشورهای اروپایی از نظام انتخاباتی تناسبی استفاده می‌کنند.

ج- نظام ترکیبی: انتخاب هر یک از دو نظام اکثریتی یا تناسبی در واقع، انتخاب میان ارزش‌های کارآمدی و ثبات سیاسی (نظام اکثریتی) یا عدالت و انصاف انتخاباتی (نظام تناسبی) است. در حالی که هر یک از این دو نظام، مزایا و معایب خاص خود را دارند، نظام ترکیبی می‌تواند دو ارزش مذکور را با هم جمع نماید. نظام ترکیبی دو شکل مختلف دارد: ۱- نظام انتخاباتی موازی که تکلیف کرسی‌های پارلمان از طریق دو فرمول مختلف مشخص می‌شود. یعنی اکثریتی و تناسبی مستقل از هم و به موازات هم عمل می‌کنند. بخشی از پارلمان از طریق اکثریتی و بخشی از طریق تناسبی و بر هم هیچ اثری ندارند. ۲- نظام تناسبی مبتنی بر اعضای مختلط که انتخابات دو بخش پارلمان مستقل از هم نیستند و بخش تناسبی تلاش دارد تا میزان غیرتناسبی بودن بخش اکثریتی نظام را تعدیل کند، چنانچه حزبی ۱۰٪ آراء را در سطح ملی کسب کند؛ اما در بخش اکثریتی موفق به کسب کرسی نشود براساس بخش تناسبی، به تناسب آرای که بدست آورده کرسی دریافت می‌کند<sup>۲۹</sup>. این نظام انتخاباتی در آلمان به کار بسته می‌شود. نیمی از نمایندگان (۳۲۸ نماینده از مجموع ۶۵۶ نماینده) در حوزه‌های انتخاباتی تک نماینده‌ای بر اساس اکثریت ساده و سایر نمایندگان از فهرست‌های بسته حزبی هر منطقه انتخاب می‌شوند<sup>۳۰</sup>. بنابراین، در مجلس نمایندگان آلمان (بوندستاگ) احزاب برای ورود به مجلس لازم است حداقل ۵ درصد از آراء را در مرحله‌ی دوم بدست آورده باشد و یا در سطح ملی سه کرسی را به خود اختصاص داده باشد... این شرط مختصر برای ورود به مجلس آلمان به یک دعوای قانون اساسی منجر شده است. مسلماً این شرط به طور غیرمنطقی شانس احزاب اقلیت را برای تضمین نمایندگی آن‌ها در مجلس به خطر می‌اندازد و اصل برابر بودن حق رأی را نقض می‌کند. آرای احزاب که مثلاً صرفاً ۳ یا ۴ درصد از کل آراء را برای آنها تضمین می‌کند، به طور کلی شمارش نمی‌شود و اگر چه شاید بتوان گفت که این روش تحت نظام رأی‌گیری چندگانه (اکثریتی) نمی‌باشد. دادگاه قانون اساسی آلمان، قوت این استدلال را شناسایی نموده، اما همچنین به این خطر اشاره نموده که ممکن است برای یک پارلمان متشکل از تعدادی احزاب کوچک، تشکیل یک دولت با ثبات مشکل باشد<sup>۳۱</sup>. همچنین این تعیین حد نصاب ۵ درصد، با دلایلی مانند جلوگیری از ورود احزابی که طرفداران چندانی ندارند و احزاب تندرو که با اصول بنیادی دموکراسی لیبرال مخالفت دارند<sup>۳۲</sup> توجیه شده است.

از جهتی دیگر، می‌توان نظام اکثریتی و تناسبی را بررسی کرد. بدین معنا که در حقوق بین‌الملل و اسناد جهانی مانند اعلامیه‌ی انتخابات آزاد، سالم و منصفانه تاکید شده که در هر کشور، اقتدار دولت تنها می‌تواند از اراده‌ی مردم ناشی گردد، مردمی که در انتخابات واقعی، آزاد و منصفانه و در ادوار منظم با رأی‌گیری فراگیر، برابر و مخفیانه شرکت می‌کنند (ماده ۱) و حق رأی مساوی و دسترسی به آیینی برای اعمال بدون تبعیض حق رأی در بندهای ۱ تا ۶ ماده ۲ شناسایی شده است. آنچه از منظر حقوق انتخاباتی مهم است، تاکید بر این نکته است که نظام تناسبی سازگاری بسیار بیش تری با حق رأی مساوی

<sup>۲۸</sup>. قاضی، ابوالفضل، همان، ۶۳۱

<sup>۲۹</sup>. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، همان، ص ۸

<sup>۳۰</sup>. احمدی، علی، همان، ص ۱۳۰

<sup>۳۱</sup>. بارت، اریک، مقدمه‌ای بر حقوق اساسی، عباسعلی کدخدایی، تهران، نشر میزان، چاپ بیستم، ۱۳۸۶، ص ۲۰۲

<sup>۳۲</sup>. Leclercq, Claude, Droit constitutionnel et institutions politiques, 1999, p 302

به نقل از هریسی نژاد، کمال الدین، حقوق اساسی تطبیقی، تبریز، نشر آیدین، چاپ سوم، ۱۳۹۲، ص ۷۹



### ۳- مردم‌سالاری دینی و انتخابات

در این مبحث به لوازم تحقق جمهوریت نظام مردم‌سالاری دینی پرداخته می‌شود یکی از مولفه‌های جمهوریت، آزادی احزاب و برگزاری انتخابات است.

#### گفتار نخست: نسبت مردم‌سالاری دینی با احزاب

از آنجایی که در مبانی مردم‌سالاری دینی مشخص شد که منظور از جمهوری، جمهوری به معنای عرفی آن است و شارع نسبت به شکل حکومت، حکمی خاص ندارد، لذا جمهوری مانند دیگر جمهوری‌ها است. البته با توجه به محتوای اسلامی حکومت، دموکراسی مکتبی پدید خواهد آمد، اما تا آنجا که به محتوای دینی مربوط نشود، می‌توان از لوازم جمهوریت بهره برد و یکی از مهمترین آنان، حزب است. حزب در تاریخ ایران به پیدایش مشروطیت برمی‌گردد که اندیشه‌هایی از قبیل حکومت قانون، مشروطه و دستورگرایی دموکراتیک وارد اندیشه سیاسی ایرانیان شد. علما و فقهای با رویکرد موافقت مشروط، مفاهیم جدید را پذیرفته و مشروع دانستند. نظر آیت الله طالقانی این است که علامه نائینی کتاب "تنبیه الامه" را جهت اثبات مشروعیت مشروطه<sup>۳۳</sup> نوشته است. آخوند خراسانی نیز معتقد است: «مشروطیت هر مملکت عبارت از محدود و مشروط بودن ادارات و دوائر دولتی به عدم تخطی از حدود و قوانین موضوعه بر طبق مذهب رسمی»<sup>۳۴</sup>. بنابراین، اصل نمایندگی و تشکیل مجلس از نظر علمای دینی پذیرفته شد. از آنجایی که مجلس شورا، رکن اول نظام سیاسی در دولت مدرن و مردم‌سالار و مرکز قانون گذاری است و مخالفان مشروطه نیز هم در اصل مشروعیت و هم در قلمرو اختیارات این مجلس اعتراض داشتند. دوران مشروطه، یک تحول در نظریه‌ی سیاسی شیعه است. نظریه‌های مشروطه شیعه، بسیاری از گرایش‌های نخبه‌گرایانه را به نفع نوعی مردم‌سالاری اسلامی در هم شکست و به خصوص در امور غیرمنصوص به رأی اکثریت وجهی شرعی داد و به آن مشروعیت بخشید<sup>۳۵</sup>. نائینی معتقد است: «بعد از رفع جهالت امت و تشریح حقیقت مشروطیت و مساوات و...، تشکیل انجمن‌های صحیحه علمیه<sup>۳۶</sup> ضرورت دارد». در واقع، مولد استبداد را رذایل اخلاقی مردم می‌داند و برای جلوگیری از بازتولید استبداد ایجاد احزاب و انجمن‌ها را موثر می‌داند. تاثیر چنین انجمن‌هایی را که با مفهوم حزب نزدیک و در عین حال متمایزند، تنها سازوکار موثر برای مدیریت امور نوعی (مصلح عمومی) و تأمین و دوام همبستگی جامعه معرفی می‌کند<sup>۳۷</sup>.

بعد از تأسیس جمهوری اسلامی، مؤسسان نظام، رویکردی موافق به اصل حزب داشته‌اند. برخی معتقدند که امام (ره) را نمی‌توان مخالف حزب و تشکل به شمار آورد. ایشان در عین حال که به پدیده‌ی احزاب سیاسی که از دستاوردهای جوامع غربی است و به جوامع مسلمین نیز سرایت کرده، چندان خوش بین نبودند، اما مخالف فعالیت‌های حزبی و تشکیلاتی هم نبودند و ملاک صحت عملکرد احزاب را اندیشه و کارویژه‌های آن‌ها به شمار می‌آوردند<sup>۳۸</sup>. امام (ره) در توضیح دیدگاه خود درباره‌ی مردم‌سالاری اشاره می‌کند بالجمله، حکومت، حکومت اسلام و مردم است؛ و مجلس از مردم است و رأی نیز از آن

۳۳. نائینی، میرزا محمد حسین، **تنبیه الامه و تنزیه الملّه**، بازنویسی محسن هجری، تهران، نشر صمدیه، چاپ دوم، ۱۳۸۹، ص ۱۸

۳۴. کدیور، محسن، **سیاست نامه خراسانی**، تهران، نشر کویر، چاپ دوم، ۱۳۸۷، ص ۲۴۶

۳۵. فیرحی، داوود، همان، ص ۳۰۴ و ۲۶۸

۳۶. نائینی، میرزا محمد حسین، همان، ص ۱۵۶

۳۷. فیرحی، داوود، **فقه و سیاست در ایران معاصر**، تهران، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۹۲، ص ۳۳۰

۳۸. اخوان کاظمی، بهرام، **حزب در اندیشه‌ی رهبران جمهوری اسلامی**، **مجله حکومت اسلامی**، سال دوازدهم، شماره ۴، ص ۱۶۵

مردم است. امام خمینی (ره) زمینه مشارکت فعال انسان مسلمان را در زندگی سیاسی تدارک می‌کنند و اعتبار شرعی برای رأی اکثریت قائل می‌شوند.<sup>۳۹</sup> برخی فقها نیز معتقدند: «ووجب تحزب از باب مقدمه‌ی واجب امر به معروف و نهی از منکر است و این مقدمه واجب از قبیل قدرت است که شرط عقلی است و تحصیل آن واجب؛ و در جوامع فعلی ایجاد تشکل برای نیل به اهداف اجتماعی از قبیل مقدمه‌ی منحصره به شمار می‌آید؛ چرا که افراد به تنهایی قادر به انجام آن نیستند»<sup>۴۰</sup> و با تحلیلی با مبانی دینی می‌توان دریافت که حتی در مواردی متناسب با موضوع (مانند امر به معروف و جهاد)، ایجاد تشکیلات وظیفه امت اسلامی تلقی می‌گردد»<sup>۴۱</sup>. بنابراین، در این منظومه اقدامات فعالان سیاسی و احزاب، مشروع است و از باب این که اذن به شیء، اذن به لوازم آن نیز است و از لوازم جمهوریت، فعالیت‌های حزبی خواهد بود، نمی‌توان محدودیت‌های را مغایر با مواد ۲۱ و ۲۲ میثاق حقوق مدنی و سیاسی یعنی آنچه برطبق قانون مقرر شده و در یک جامعه دموکراتیک به مصلحت امنیت ملی یا ایمنی عمومی یا نظم عمومی یا برای حمایت از اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های دیگران ضرورت داشته باشد، برای احزاب مقرر کرد.

#### ۴- نسبت مردم‌سالاری دینی با نظام انتخاباتی

نظام های انتخاباتی از اهمیت بسیاری در دموکراسی‌ها برخوردارند، زیرا در تعیین نتایج انتخابات، ماهیت نظام حزبی، شمار احزاب عمده، تک حزبی یا ائتلافی شدن کابینه‌ها و انسجام درونی احزاب سیاسی بسیار مؤثرند، به نحوی که با تغییر نظام انتخاباتی می‌توان تغییری ماهوی در دموکراسی‌ها ایجاد کرد<sup>۴۲</sup>. از سوی دیگر، تعیین نظام انتخاباتی می‌بایست متناسب با فرهنگ سیاسی جامعه یعنی الگو و روال عام جهت‌گیری‌ها راجع به پدیده‌های سیاسی مثل احزاب، حکومت و قانون اساسی باشد؛ که در باورها، نمادها و ارزش‌ها متجلی می‌شود و شکل دهنده‌ی ارزش‌های دراز مدت است<sup>۴۳</sup>. در جمهوری اسلامی اگر زمینه‌های اعتقادی نهضت اسلامی را فرهنگ سیاسی بدانیم، رسالت قانون اساسی، عینیت بخشیدن به این زمینه‌های اعتقادی است. بنابراین، قانون اساسی باید سازوکارهایی را مقرر سازد که منطبق با ارزش‌های نهضت یعنی جمهوریت و مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت باشد و اسلامیت نیز تضمین شود. به طور کلی، شارع همان طور که برای شکل احزاب سیاسی، حکمی خاص ندارد، برای نظام انتخاباتی نیز حکمی خاص ندارد و این امر به عرف واگذار شده است، اما برای انتخاب میان نظام انتخابی اکثریتی یا تناسبی می‌بایست میان دو ارزش قائل به تفکیک شد. اگر نظام اکثریتی باشد، این بدان معناست که ارزشی که اولویت داشته، کارآمدی و ثبات سیاسی دولت و نظام بوده است، اما اگر نظام تناسبی برگزیده شود، یعنی عدالت انتخاباتی، ارزش نهایی دارد. حال باید بررسی کرد که قانون اساسی که منعکس‌کننده‌ی ارزش‌های اعتقادی نهضت است، میان دوگانه‌ی کارآمدی و عدالت، کدام را ترجیح می‌دهد. در پاسخ به این پرسش نمی‌توان به نتیجه‌ای روشن رسید. از یک طرف، بر آزادی احزاب (اصل ۲۶) تاکید شده است که از طرق نظارت مردم بر حکومت می‌باشد و کمال آزادی احزاب، نظام انتخاباتی تناسبی است تا همه‌ی گروه‌هایی که از حداقل حمایت افکار عمومی برخوردارند، بتوانند در مجلس صاحب کرسی شوند و همچنین در

<sup>۳۹</sup> فیرحی، داوود، *نظام سیاسی و دولت در اسلام*، تهران، نشر سمت، چاپ نهم، ۱۳۹۱، ص ۲۶۸

<sup>۴۰</sup> منتظری، حسینعلی، همان، ص ۱۵۲ و ۱۵۳

<sup>۴۱</sup> کعبی، عباس، *فرآیند تربیت نیرو در نظام اسلامی*، تهران، مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۸۷، ص ۱۳۶ به نقل از گزارش پژوهشی مفهوم حزب، مرکز تحقیقات شورای نگهبان، ۱۳۹۲، ص ۱۴

<sup>۴۲</sup> حسین بشیریه، *درس‌های دموکراسی برای همه*، همان، ص ۱۵۶

<sup>۴۳</sup> هیوود، اندرو، *کلید واژه‌ها در حقوق عمومی و سیاست*، اردشیر امیرارجمند و سید باسَم موالی زاده، تهران، نشر امیرکبیر، چاپ اول،

اصل ۶۴ قانون اساسی در جهت تامین «برابری در حقوق» و «برابری ماهوی و واقعی» برای اقلیت‌های دینی، کرسی نمایندگی تضمین شده است و این نشان از عدالت انتخاباتی دارد. از سوی دیگر، برای ثبات دولت و کارآمدی نظام سیاسی که از نتایج مورد نظر در نظام اکثریتی می‌باشد، روابط قوه‌ی مجریه و مقننه به گونه‌ای تنظیم شده است که رئیس دولت به راحتی قابل عزل نیست. برای طرح استیضاح رئیس جمهور، یک سوم نمایندگان باید درخواست استیضاح دهند و رأی به عدم کفایت رئیس جمهور نیز نیازمند رأی اکثریت دو سوم مجموع نمایندگان است (اصل ۸۹) و این عدم کفایت می‌تواند با نظر مقام رهبری به عنوان رئیس کشور، با در نظر گرفتن «مصالح کشور» و ثبات نظام سیاسی، بی‌اثر گردد (بند ۱۰ اصل ۱۱۰). لذا بررسی قانون اساسی نشان می‌دهد این دو ارزش به گونه‌ای منعکس شده است، اما در نهایت، قرائت نمایندگان ادوار مجلس از قانون اساسی منتج به انتخاب نظام اکثریتی دو مرحله‌ای بوده است، بدین معنا که فقط داوطلبانی به مجلس راه می‌یابند که اکثریت مشخصی از آرای حوزه‌های انتخابیه خود را بدست آوردند.

از سوی دیگر، جدا از این که نظام سیاسی از چه نوعی باشد بر گزینش نظام انتخاباتی مطلوب، اصولی حاکم است. اصل شفافیت، اصل نمایندگی، اصل فراگیری و جامعیت، اصل گزینش رأی دهنده، اصل سادگی، اصل مشروعیت و اصل تناسب و انصاف نمایندگی است<sup>۴۴</sup>. شاید مهم‌ترین اصل در تعیین نظام انتخاباتی، اصل تناسب و انصاف نمایندگی باشد که حقوق و رویه‌ی بین‌المللی نیز آن را تایید می‌کند. به عنوان نمونه، اتحادیه‌ی بین‌المجالس بر ارتباط معقول میان انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان تاکید کرده و آن را تجلی عنصر سنخیت و تناسب دانسته است که موید یکی از اصول حقوق بین‌الملل است<sup>۴۵</sup>. البته هر چند این اصل به نوع نظام انتخاباتی نیز مربوط است؛ اما بیشتر ناظر به حوزه‌بندی انتخابات است. برخی صاحب‌نظران نیز بی‌آن که نظام انتخاباتی خاصی را ترجیح دهند، در تعیین نوع نظام انتخاباتی بر اثربخشی دولت، دولت پاسخگو و مسئولیت‌پذیر (اکثریتی) و عدالت و بی‌طرفی در مورد احزاب اقلیت و نمایندگی گروه‌های اجتماعی (تناسبی)، تاکید دارند<sup>۴۶</sup>.

## ۵- نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی

مهم‌ترین مبحث مقاله نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی است که انتخابات مجلس را با توجه به دو مولفه‌ی اصلی حزب و نظام انتخاباتی بررسی می‌کند.

### ۵-۱- نسبت نظام انتخاباتی مجلس و احزاب

فعالیت و کارکرد نظام‌های سیاسی و دولت‌ها در نظام‌های پارلمانی و نیمه پارلمانی، بستگی به ثبات اکثریت‌های پارلمانی دارد. این ثبات هم به شمار احزاب سیاسی در مجلس وابسته است. نظام چندحزبی نیازمند ائتلاف‌های اغلب‌شکننده در مجلس و دولت است، در حالی که نظام دو حزبی اصولاً منجر به ثبات اکثریت‌های پارلمانی می‌گردد. درست است که شمار احزاب با توجه به گرایش‌ها و اختلافات موجود در جامعه تعیین می‌شود، ولی همچنین زیر تاثیر نظام‌های انتخاباتی نیز می‌باشد. در این باره، موریس دوورژه، سه فرمول یا قانون جامعه شناختی ارائه می‌دهد: ۱- نظام انتخابات اکثریتی یک مرحله‌ای، باعث پیدایش نظام دوحزبی می‌گردد. زیرا احزابی که به لحاظ عقیدتی به هم نزدیک هستند، سود خود را در این می‌بینند که

<sup>۴۴</sup>. خسروی، حسن، همان، ص ۲۰۴ تا ۲۰۶

<sup>۴۵</sup>. گودین گیل، گای اس، انتخابات آزاد و منصفانه در حقوق و رویه بین الملل، تهران، نشر شهر دانش، چاپ دوم، ۱۳۸۶، ص ۴۳

<sup>۴۶</sup>. احمدی، علی، همان، ص ۱۳۱ تا ۱۳۵

برای از میان رفتن دور هم جمع شوند. ۲- انتخابات تناسبی، منجر به پیدایش احزاب چندگانه که هر یک مستقل از دیگری هستند، می‌گردد. زیرا هر گرایش سیاسی هر چند در اقلیت، شانس داشتن نماینده در مجلس را دارد. ۳- انتخابات اکثریتی دو مرحله‌ای، سبب پیدایش نظام چند حزبی می‌شود. زیرا همه‌ی احزاب می‌توانند شانس خود را در مرحله‌ی نخست بیازمایند، ولی اغلب در مرحله‌ی دوم مجبور به ائتلاف می‌گردند»<sup>۴۷</sup>. از نظر دوورژه و دنکورات روستا و شات اشناپدر، علت پیدایش احزاب سیاسی و گسترش آن با پیدایش و گسترش نظام انتخابات و استقرار نظام پارلمانی، پیوند دارد. نگره‌ی مزبور بر این فرضیه‌ها استوار است که اولاً پیدایش حزب سیاسی بعد از استقرار نظام دموکراسی صورت می‌گیرد (نه به عکس)، ثانیاً حزب به نوبه‌ی خود، موجب دوام و گسترش این نظام می‌شود. مطالعه موردی نظام فرانسه نشان می‌دهد هر چند نظام انتخاباتی فرانسه تناسبی نیست، اما نظام انتخاباتی این کشور یکی از عناصر اصلی مؤثر در ساختار نظام حزبی و تثبیت نظام چند حزبی است<sup>۴۸</sup>. نمونه‌ی دیگر از تاثیر نظام انتخاباتی، نظام چند حزبی کشور ایتالیا است. نظام چند حزبی ایتالیا را باید ناشی از اعمال نظام انتخاباتی تناسبی در مجلس نمایندگان تا سال ۱۹۹۳ و اعمال نظام مختلط یا ترکیبی از ۱۹۹۳ به بعد دانست<sup>۴۹</sup>.

البته باید به این نکته اشاره کرد نتایج یک تحقیق بر ۵۰۹ انتخابات در ۲۰ کشور دنیا، که توسط بلیس و کارتی در سال ۱۹۹۱ انجام شده، نشان می‌دهد که در نظام‌های انتخاباتی یک مرحله‌ای، به طور میانگین پنج حزب، در نظام‌های اکثریتی دو مرحله‌ای و در نظام‌های تناسبی هشت حزب در صحنه‌ی انتخابات با یکدیگر در حال مبارزه و رقابت انتخاباتی هستند و حتی در کشور انگلستان نظام دوحزبی کامل نیست و در کنار دو حزب بزرگ، احزاب دیگری نیز وجود دارند<sup>۵۰</sup>. هر چند در نهایت رقابت اصلی بین حزب محافظه کار و کارگر است و نظریه‌ی موریس دوورژه به اثبات می‌رسد.

همبستگی میان دو متغیر نظام انتخاباتی و وضعیت احزاب سیاسی را می‌توان در چند مورد خلاصه کرد که عبارتند از: وجود یا نبود احزاب سیاسی و ضعف یا قوت آن‌ها، تعدد احزاب سیاسی، برنامه‌ها و راهبردهای احزاب سیاسی و کاندیداهای معرفی شده از سوی آنها، گزینش داوطلبان توسط احزاب سیاسی و وفاداری‌های حزبی<sup>۵۱</sup>.

## ۵-۲- نظام انتخاباتی مجلس و افزایش مشارکت سیاسی و مشروعیت نمایندگان

اکثر صاحب نظران بر ضرورت شکل‌گیری نظام حزبی در ایران تاکید دارند. برخی معتقدند نظام سیاسی و حقوقی کشور از داد و ستد منطقی میان نظام حزبی و نظام انتخاباتی بی‌بهره است. در انتخابات جمهوری اسلامی ایران، این نامزد است که رأی می‌گیرد نه حزب، این امر به خصوص در شهرستان‌ها مصداق می‌یابد. کاهش نقش احزاب در مجلس به تضعیف نقش مجلس منجر می‌شود. چرا که نمایندگان پراکنده‌اند و از سازمان دهی برخوردار نبوده و فاقد پشتیبانی فکری و برنامه‌ای هستند. این امر باعث می‌شود تا مجلس فاقد اتحاد و انسجام لازم باشد<sup>۵۲</sup>. گروهی دیگر از پژوهشگران ضمن انتقاد از رویکرد فردی به رقابت‌های سیاسی و ضرورت تدوین نظام انتخاباتی که ظرفیت پاسخگویی به رقابت‌های سیاسی هم به صورت فردی و

<sup>۴۷</sup>. عباسی، بیژن، همان، ص ۲۷۰ و ۲۷۱

<sup>۴۸</sup>. بزرگمهری، مجید، نظری بر قوانین و نقش احزاب سیاسی در انتخابات فرانسه، زنجان، نشر نیکان کتاب، چاپ اول، ۱۳۹۰، ص ۱۷ و ۱۸۷

<sup>۴۹</sup>. هریسی نژاد، کمال الدین، همان، ص ۱۰۱

<sup>۵۰</sup>. ایوبی، حجت الله، همان، ص ۲۱۰ و ۲۲۲

<sup>۵۱</sup>. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، همان، ص ۲۰ و ۲۱

<sup>۵۲</sup>. مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، گزارش راهبردی چگونگی اثرگذاری نظام انتخاباتی موجود بر مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۱۵

هم به صورت حزبی را داشته باشد<sup>۵۳</sup>، اشاره‌ای به اصلاح نظام انتخاباتی از اکثریتی به تناسبی نداشته‌اند. برخی معتقدند نظام حزبی در ایران شکل نگرفته و در واقع، ستاد انتخاباتی داوطلبان، کارکرد احزاب را در مقطع کوتاه انتخابات بر عهده دارند و یکی از علل فقدان یا ضعف احزاب سیاسی در ایران، نوع نظام انتخاباتی به کار گرفته شده برای برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی بوده است<sup>۵۴</sup>.

بررسی قوانین انتخابات مجلس پس از انقلاب، نشان می‌دهد نظام انتخاباتی از اکثریت مطلق به اکثریت نسبی با نصاب یک سوم و در حال حاضر به موجب ماده ۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، انتخاب نماینده در مرحله‌ی اول منوط به کسب اکثریت حداقل یک چهارم کل آراء و در مرحله‌ی دوم و همچنین انتخابات میان دوره‌ای با کسب اکثریت نسبی به هر میزان است. نکته‌ی قابل تأمل این است که از اوایل انقلاب، بحث بر اکثریت مطلق و نسبی میان گروه‌ها و جریانات سیاسی، جریان داشته است. حزب جمهوری اسلامی و اعضای شورای انقلاب از موافقان اکثریت مطلق بودند و استدلال اصلی این جریان نیز داشتن اعتبار و پشتوانه‌ی مردمی نمایندگان بوده است. این جناح معتقد بود، مجلس شورای اسلامی مهمترین کرسی و مظهر حاکمیت ملی است و نمایندگانی که به این مجلس راه می‌یابند؛ می‌باید از اعتبار خاصی برخوردار باشند. به همین دلیل ضرورتاً باید تعداد آرای که کسب می‌کنند، از نصف تعداد شرکت کنندگان بیشتر باشد، در یک شهر پنج میلیون نفری فردی با ۳۰ هزار رأی نمی‌تواند نماینده‌ی واقعی پنج میلیون نفر باشد<sup>۵۵</sup>. در نهایت برای ورود به مجلس در مرحله‌ی اول، قانون ۱۳۵۸ و ۱۳۶۲ اکثریت مطلق، قانون ۱۳۷۴ اکثریت یک سوم و قانون فعلی نیز اکثریت یک چهارم را مقرر داشته‌اند. برخی صاحب نظران معتقدند که تنزل اشتراط از اکثریت مطلق به ترتیب فوق از وجاهت نمایندگی می‌کاهد و با این توصیف اصولاً انتخابات دو مرحله‌ای امری زاید به نظر می‌رسد<sup>۵۶</sup>.

اصلاح نظام انتخاباتی مجلس به گونه‌ای که با مبانی مردم‌سالاری دینی در تعارض نباشد و شامل دو مؤلفه‌ی اصلاح نظام انتخاباتی و ایجاد نظام حزبی باشد، منجر به افزایش رقابت سیاسی در انتخابات مجلس و به دنبال آن افزایش مشارکت سیاسی یا مشارکت حداکثری خواهد شد. همچنان که در مباحث گذشته آمد، اصولاً شارع نسبت به انتخابات و نوع نظام انتخاباتی حکمی خاص ندارد و واگذار به عرف و بنای عقلای جامعه کرده است، اما محتوا می‌بایست مغایر با اسلام نباشد. اگر هدف اصلی افزایش مشارکت مردم در انتخابات مجلس باشد، راه حل‌های زیر مناسب خواهد بود:

اصلاح نظام انتخاباتی از اکثریت نسبی به تناسبی به گونه‌ای که احزاب رسمی زیر نظارت وزارت کشور ملزم به ارائه‌ی فهرست برای انتخابات مجلس باشند. این شیوه مورد استفاده اکثر کشورهای با نظام پارلمانی قرار گرفته است. در کشور ترکیه، نظام انتخاباتی، تناسبی و احزاب به طور موثر در انتخابات شرکت دارند و پایه‌های مردم‌سالاری ترکیه محسوب می‌شوند. البته شرکت احزاب در انتخابات مستلزم رابطه‌ی دو طرفه از سوی حاکمیت و احزاب است و فرهنگ سیاسی را نیز باید در این تحول در نظر گرفت. بسیاری از احزاب فقط مجوز فعالیت دارند و نمی‌توان به صرف این که احزاب رسمی وجود دارند، نظام تناسبی و فهرستی را پیشنهاد داد. هم چنان که برخی معتقدند در شرایط فعلی انتظار تقویت نظام حزبی کارآمد و فراگیر از درون قوانین انتخاباتی گزاف به نظر می‌رسد<sup>۵۷</sup>. هرچند ساختار نظام سیاسی ایران به گونه‌ای است که تشکیل و تأسیس دولت

<sup>۵۳</sup>. گلشن پژوه، محمود رضا، بررسی تطبیقی نظام های انتخاباتی، تهران، نشر موسسه ابرار معاصر تهران، چ اول، ۱۳۸۸، ص ۲۵۴

<sup>۵۴</sup>. مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، همان، ص ۲۰

<sup>۵۵</sup>. سائلی کرده ده، مجید، سیر تحول قوانین انتخاباتی مجلس در ایران، تهران، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸،

ص ۳۱۲

<sup>۵۶</sup>. هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۷، جلد ۲، ص ۹۷

<sup>۵۷</sup>. مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، همان، ص ۱۵

منوط به اکثریت قوی حزبی در مجلس نیست. چرا که در نظام های پارلمانی مانند انگلستان، نخست وزیر، در واقع رهبر حزب پیروز در انتخابات مجلس است. در ایران، انتخابات رئیس جمهوری به عنوان رئیس دولت، مستقل از مجلس است و ارتباط مجلس و دولت در رأی اعتماد به هیات وزیران و نظارت بر دولت است. همین دو اقتدار اخیر کافی است که نظام اکثریتی در انتخابات مجلس حفظ شود. زیرا کارآمدی و ثبات دولت نیازمند تعامل مجلس است و انتخابات اکثریتی به مردم این فرصت را می دهد در فاصله ی دوساله بعد از انتخاب رئیس جمهور، نمایندگانی همسو با دولت در انتخابات مجلس انتخاب کنند؛ لذا انتخابات اکثریتی در مقایسه با تناسبی، این مزیت را دارد که ثبات و کارآمدی دولت را به طور نسبی تضمین می کند.

برای حضور موثرتر احزاب هم چنین می توان راهکارهای کوتاه مدتی مانند حمایت و نظارت بیش تر وزارت کشور بر فعالیت احزاب مانند اعطای یارانه های دولتی برای تامین مالی و هزینه های گوناگون احزاب و نظارت بر برگزاری کنگره و نشست های رسمی احزاب، پیشنهاد داد. به گونه ای که اگر کنگره حزب به طور منظم برگزار نشود و حزب در امور مختلف کشور مواضع خود را بیان نکند، حزب از یارانه ی دولتی محروم خواهد شد. باید این نکته را در نظر گرفت که تقویت احزاب فقط منوط به اصلاح نظام انتخاباتی نیست، هرچند نظام انتخاباتی یک عامل مؤثر بر نظام حزبی است. در موقعیتی که اصلاح نظام انتخاباتی دور از ذهن به نظر می رسد، می توان به اصلاح قانون فعالیت احزاب مصوب سال ۱۳۶۰ پرداخت، همچنان که تغییر این قانون در دستور کار دولت می باشد. از معایب قانون فعلی، نقش اساسی کمیسیون ماده ی ۱۰ احزاب است. مرجع نظارت بر تشکیل احزاب و اجتماعات وزارت کشور و کمیسیون ماده ۱۰ که متشکل از نمایندگان قوای سه گانه می باشند. وزارت کشور در مقام اظهار نظر تعیین کننده نسبت به پرونده ی متقاضیان و کمیسیون ماده ۱۰ در مقام اتخاذ تصمیم در مورد صدور یا عدم صدور پروانه متقاضیان می باشد<sup>۵۸</sup>. بنابراین، ضمن حفظ نظام اکثریتی، اصلاح قانون احزاب بدین صورت که نقش کمیسیون ماده ۱۰، کاهش یابد یا نمایندگان احزاب و گروهها نیز در تاسیس و نظارت بر احزاب، مشارکت داشته باشند، به تقویت نظام حزبی منجر خواهد شد.

نظام تلفیقی یا ترکیبی می تواند معایب نظام انتخاباتی فعلی را رفع کند و از طرفی معایب نظام تناسبی را نیز نداشته باشد. نظام ترکیبی در ایران می تواند بدین صورت باشد که انتخابات برخی حوزه های انتخابیه در شهرهای بزرگ که حداقل سه و حداکثر ۳۰ کرسی نمایندگی دارند، احزاب با فهرست های انتخابی به رقابت بپردازند و شیوه ی محاسبه آرا به صورت تناسبی باشد و در حوزه های تک نماینده ای، نظام اکثریتی حاکم باشد. این الگو در برخی کشورها مانند آلمان الگویی موفق بوده و می تواند مشارکت مؤثر احزاب را در شهرهای بزرگ تضمین نماید. رقابت احزاب در حوزه های انتخابیه ی پرجمعیت مانند شیراز، اصفهان، مشهد، تبریز و مخصوصاً تهران، می تواند رقابت های سطحی و شخصی میان داوطلبان را تبدیل به رقابت های برنامه محور کند و قدرت نمایندگی را بیش از پیش منعکس نماید. زیرا پیروزی مطلق یا نسبی یک حزب یا جناح سیاسی، موجب انسجام اعضای نماینده ی آن حزب در مجلس خواهد بود و مردم رأی دهنده به عنوان پایگاه رأی آن حزب یا جناح، می توانند با توجه به برنامه ی اعلامی در دوران تبلیغات، عملکرد اعضای آن حزب را ارزیابی کنند.

اصلاح اکثریت یک چهارم به اکثریت یک سوم یا اکثریت مطلق نیز می تواند افزایش مشروعیت نمایندگان مجلس را در پی داشته باشد. برای تحقق حکومت اسلامی، مردم نقشی اساسی دارند و همین نکته کافی است که لوازم مردم سالاری دینی موجه شود، یعنی در نهایت جدا از این که حاکم اسلامی منصوب است یا منتخب مردم، این مردم هستند که در قالب هایی عرفی مانند انتخابات و احزاب که ناشی از حکومت جمهوری است، مشارکت مؤثر دارند. نوع نظام انتخاباتی باید به گونه ای باشد که بیشترین ارتباط میان مردم و نمایندگان برقرار شود و نمایندگان، نماینده ی افکار عمومی تلقی شوند. بنابراین، در تعیین

<sup>۵۸</sup>. هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادی های عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۴۱۴

نوع نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی باید لوازم دموکراسی دینی، یعنی مشارکت همگانی و افزایش مشروعیت سیاسی نمایندگان رعایت شود. همچنان که یکی از دلایل موافقان اکثریت مطلق در ادوار مجلس این بوده است که اکثریت مطلق، اختلافات زیاد در درجه‌ی نمایندگی افراد را تعدیل می‌کند. آیا منطقی است که فردی که تنها ۱۰ یا ۲۰ درصد آراء را دارد، به نمایندگی از ۱۰۰ درصد مردم حوزه‌ی انتخابیه خود در مجلس سخن بگوید؟<sup>۵۹</sup> بنابراین، افزایش مشارکت سیاسی در گرو افزایش حد نصاب برای ورود به مجلس است که می‌تواند گام به گام پیش رود، بدین صورت که می‌توان در اصلاحیه‌ی اول قانون انتخابات، اکثریت یک سوم را مقرر کرد و بعد از گذشت یک دوره‌ی ۱۰ ساله و شناخت مزایا و معایب اجرای آن در عمل به اکثریت مطلق رسید. البته این راه حل ممکن است با این ایراد مواجه شود که مشارکت سیاسی زمانی افزایش خواهد یافت که احزاب قوی فعال شوند؛ لذا در صورت اعمال نظام اکثریتی که داوطلب محور است، مشارکت همچنان متوسط خواهد ماند<sup>۶۰</sup> و مشارکت حداکثری محقق نخواهد شد. در پاسخ می‌توان گفت علت مشارکت متوسط فقط نظام اکثریتی نیست. به عنوان مثال در انتخابات مجلس ملی فرانسه در سال‌های ۱۹۶۷، ۱۹۶۸ و ۱۹۷۳ مشارکت سیاسی به ترتیب ۷۹ درصد، ۷۸ درصد و ۸۰ درصد بوده<sup>۶۱</sup> با اینکه نظام انتخاباتی اکثریتی اعمال شده است. بدین ترتیب، می‌توان نظام اکثریتی داشت و در عین حال، مشارکت بالای ۷۰ درصد را رقم زد.

---

<sup>۵۹</sup>. سائلی کرده ده، مجید، همان، ص ۳۲۱

<sup>۶۰</sup>. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، همان، ص ۳۸

<sup>۶۱</sup>. بزرگمهری، مجید، همان، ص ۱۷۴ تا ۱۷۶

## نتیجه‌گیری

در جمهوری اسلامی، رأی اکثریت مردم برای ایجاد حکومت اسلامی و تداوم آن به رسمیت شناخته شده است. لذا برای تحقق این نقش مردم می‌بایست آثار و لوازم جمهوریت و مردم‌سالاری را پذیرفت و قانون اساسی در اصول مختلف خود به این مؤلفه‌ها اشاره کرده است، اما صرف به رسمیت شناختن این لوازم برای تحقق جمهوریت کافی نیست، بلکه می‌بایست سازوکارهای در نظر گرفت تا مشارکت مؤثر مردم در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی خویش، تضمین شود. انتخابات و حضور فعال احزاب در این عرصه یکی از راههای مهم این مشارکت است که در عمل، منجر به تقویت مشروعیت نظام سیاسی نیز می‌گردد. در دوران مشروطه، اندیشه‌ی سیاسی شیعه در مواجهه با لوازم جمهوریت و مردم‌سالاری از قبیل انتخابات و احزاب، رویکردی موافق داشته و گفتمان غالب فقها، پذیرش احزاب و رأی اکثریت بوده است و برخی معتقدند که انتخابات و احزاب راهکارهایی هستند که شارع آن‌ها را به عرف جامعه واگذار کرده است، اما این روش‌ها بایستی در جهت تحقق اهداف و محتوای دینی نظام به کار گرفته شود، لذا برای تبیین نظام انتخاباتی مجلس از یک سو، می‌بایست به آثار و لوازم جمهوریت پایبند بود و از سوی دیگر، محتوای ارزش‌های لازم‌الرعایه‌ی مردم‌سالاری دینی را مد نظر داشت. ضرورت ایجاد احزاب در نظام دینی از باب مقدمه‌ی واجب امر به معروف و نهی از منکر و مشارکت مردم و نخبگان در تداوم حکومت اسلامی، توجیه می‌شود، چراکه در جوامع امروزی، اجتماع سازمانی افراد در قالب احزاب به مفهوم نوین آن مؤثر خواهد بود. حزب به مفهوم جدید از دسته و گروه در جوامع سنتی متمایز است. احزاب افزون بر رویکرد سازمانی، دارای رویکرد کارکردی نیز می‌باشند. رویکرد کارکردی بر کارویژه‌های احزاب در هدایت رفتار سیاسی شهروندان، انتخاب مقامات عمومی و نسبت مردم و حکومت تأکید دارد که کارکرد انتخاباتی احزاب در این میان برجسته می‌شود. از سوی دیگر، نوع نظام انتخاباتی بر نظام حزبی تأثیر معنادار خواهد داشت. نظریه‌ی موريس دوورژه تقریباً مورد اجماع صاحب نظران می‌باشد و مبتنی بر این گزاره است که نظام اکثریت یک مرحله‌ای، منجر به نظام دوحزبی خواهد شد و نظام اکثریتی دو مرحله‌ای و نظام تناسبی، نظام حزبی چندگانه را در پی خواهد داشت. نظام‌های انتخاباتی به دو دسته‌ی کلی اکثریتی و تناسبی تقسیم می‌شوند که به ترتیب به اصول و ارزش‌های کارآمدی نظام سیاسی و عدالت انتخاباتی توجه دارند. نمونه‌ی نظام اکثریتی، نظام انتخاباتی مجلس عوام انگلستان و نمونه‌ی نظام تناسبی، نظام انتخاباتی مجلس نمایندگان ایتالیا است. برخی کشورها مانند آلمان برای رفع معایب هر یک از دو روش، به نظام تلفیقی یا ترکیبی را روی آورده‌اند، بدین ترتیب که نیمی از نمایندگان به روش اکثریتی و نیمی از طریق نظام تناسبی انتخاب می‌شوند.

در ماده‌ی ۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، اکثریت یک چهارم مقرر شده که در نظام‌های انتخاباتی یک اکثریت خاص تلقی می‌شود و ورود نماینده به مجلس در صورت کسب یک چهارم آرا در دور نخست، در نظام‌های انتخاباتی دیگر کشورها معمول نیست. پیشینه‌ی نظام انتخاباتی مجلس در ایران پس از انقلاب اسلامی، نشان از کاهش از اکثریت مطلق به یک سوم و در نهایت، یک چهارم دارد که به نظر می‌رسد مغایر با پایگاه رأی لازم برای نمایندگی از مردم در امر قانون‌گذاری است. چرا که فرض بر این است که نمایندگان به نمایندگی از ملت، قانون‌گذاری کرده و حقوق و تکالیف افراد را مقرر می‌نمایند، لذا در جهت افزایش ارتباط میان انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان می‌بایست نظام انتخاباتی اصلاح شود. برای تغییر قانون انتخابات مجلس می‌توان پیشنهادهایی بدین شرح ارائه داد: ۱- اصلاح نظام انتخاباتی از اکثریتی به نظام تناسبی که منتهی به ایجاد نظام حزبی مؤثر در کشور و عدالت انتخاباتی میان احزاب و جناح‌های سیاسی خواهد شد، اما این پیشنهاد در عمل، قابل اجرا نیست چرا که پیشینه‌ی فعالیت احزاب در ایران نشان می‌دهد که به صرف وجود احزاب رسمی در کشور نمی‌توان به وجود نظام حزبی به طور واقعی اطمینان کرد و همچنین در کنار عدالت انتخاباتی، در قانون اساسی ارزش‌های دیگری مانند ثبات نظام سیاسی و کارآمدی دولت مدنظر است. نظام اکثریتی به مردم این فرصت را می‌دهد به نمایندگانی



همسو با دولت رأی دهند و اکثریتی قوی از جناح سیاسی دولت در مجلس نیز شکل بگیرد تا برنامه‌های اعلامی جناح سیاسی پیروز در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس تحقق یابد. البته در نظام تناسبی هم این امر ممکن است، اما مزیت نظام اکثریتی، اکثریت قوی پارلمانی و همسویی بیشتر مجلس با دولت خواهد بود. ۲- نظام ترکیبی نیز می‌تواند معایب نظام موجود را کاهش دهد در کلان شهرها که حداقل سه کرسی در مجلس دارند، انتخابات تناسبی برگزار شود و احزاب نیز می‌توانند به طور موثر وارد انتخابات شوند و حتی در جهت تامین عدالت انتخاباتی بیشتر و ایجاد تبعیض مثبت می‌توان در قانون انتخابات مقرر کرد که برخی گروه‌های اجتماعی مانند زنان بخشی از فهرست انتخاباتی احزاب را تشکیل دهند.

افزایش مشروعیت و پایگاه اجتماعی نمایندگان از یک چهارم به یک سوم یا اکثریت مطلق راهکاری مناسب به نظر می‌رسد. اگر اکثریت مطلق در مرحله ی نخست معیار باشد، آنگاه انتخابات دو مرحله‌ای معنا خواهد داشت، اما در صورت پیش‌بینی اکثریت مطلق در مرحله ی نخست به نظر می‌رسد که انتخابات بیشتر حوزه‌های انتخابیه به دور دوم خواهد کشید.

- ابوالحمد، عبدالحمید، مبانی سیاست، تهران، نشر توس، چ دهم، ۱۳۸۴.
- احمدی، علی، انتخابات در ایران، تهران، نشر میزان، چ اول، ۱۳۸۹.
- ایوبی، حجت‌الله، اکثریت چگونه حکومت می‌کند، تهران، نشر سروش، چ اول، ۱۳۷۹.
- بازنت، اریک، مقدمه‌ای بر حقوق اساسی، ترجمه عباسعلی کدخدایی، تهران، نشر میزان، چ بیستم، ۱۳۸۶.
- بزرگمهری، مجید، نظری بر قوانین و نقش احزاب سیاسی در انتخابات فرانسه، زنجان، نشر نیکان کتاب، چ اول، ۱۳۹۰.
- بشیریه، حسین، درس‌های دموکراسی برای همه، دانش سیاسی ۱، تهران، نشر نگاه معاصر، چ سوم، ۱۳۸۷.
- -----، گذار به مردم‌سالاری، دانش سیاسی ۸، تهران، نشر نگاه معاصر، چ اول، ۱۳۸۷.
- جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه، قم، نشر اسراء، چ دهم، ۱۳۸۹.
- خسروی، حسن، حقوق انتخابات دموکراتیک، تهران، نشر مجد، چ اول، ۱۳۸۷.
- سائلی، کرده ده، سیر تحول قوانین انتخاباتی مجلس در ایران، تهران، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چ اول، ۱۳۷۸.
- عباسی، بیژن، مبانی حقوق اساسی، تهران، نشر جنگل، چ دوم، ۱۳۸۹.
- عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، ج ۸، تهران، نشر امیرکبیر، چ اول، ۱۳۸۳.
- فیرحی، داوود، نظام سیاسی و دولت در اسلام، تهران، نشر سمت، چ نهم، ۱۳۹۱.
- -----، فقه و سیاست در ایران معاصر، تهران، نشر نی، چ اول، ۱۳۹۲.
- قاضی شریعت پناهی، سید ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران، نشر میزان، چ دوازدهم، ۱۳۸۳.
- کدیور، محسن، حکومت ولایتی، تهران، نشر نی، چ چهارم، ۱۳۸۰.
- -----، سیاست نامه خراسانی، تهران، نشر کویر، چ دوم، ۱۳۸۷.
- کعبی، عباس، شرح فقهی اصل اول قانون اساسی، تهران، نشر مرکز تحقیقات شورای نگهبان، ۱۳۹۲.
- گلشن پیژوه، محمودرضا، بررسی تطبیقی نظام‌های انتخاباتی، تهران، نشر موسسه‌ی فرهنگی مطالعات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، چ اول، ۱۳۸۸.
- گودین گیل، گای اس، انتخابات آزاد و منصفانه در حقوق و رویه بین‌الملل، تهران، نشر شهر دانش، چ دوم، ۱۳۸۶.
- منتظری، حسینعلی، حکومت دینی و حقوق انسان، تهران، نشر سرایی، چ اول، ۱۳۸۷.
- نائینی، میرزا محمد حسین، تنبیه الامه و تنزیله المله، بازنویسی محسن هجری، تهران، نشر صمدیه، چ دوم، ۱۳۸۹.
- نقیب زاده، احمد، سیاست و حکومت در اروپا، تهران، نشر سمت، چ هشتم، ۱۳۸۹.
- هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، تهران، نشر میزان، چ نهم، ۱۳۸۸.
- -----، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، تهران، نشر میزان، چ بیستم، ۱۳۸۷.
- -----، حقوق بشر و آزادی‌های عمومی، تهران، نشر میزان، چ اول، ۱۳۸۴.

- -----، حقوق اساسی و ساختارهای سیاسی، تهران، نشر میزان، چ اول، ۱۳۹۰.
- هریسی نژاد، کمال الدین، حقوق اساسی تطبیقی، تبریز، نشر آیدین، چ سوم، ۱۳۹۲.
- هیودد، اندرو، کلیدواژه‌ها در سیاست و حقوق عمومی، ترجمه امیرارجمند و موالی زاده، تهران، نشر امیرکبیر، چ اول، ۱۳۸۷.

#### ب) مقالات و گزارش‌های پژوهشی و منابع اینترنتی

- اخوان کاظمی، بهرام، «ت حزب در اندیشه ی رهبران جمهوری اسلامی»، مجله ی حکومت اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴، ۱۳۸۶، ص ۱۸۲-۱۵۹.
- ایوبی، حجت الله، مبانی علم سیاست، احزاب و ایده نولوژی، ۱۳۹۰، پایگاه اینترنتی شخصی.
- مرکز تحقیقات شورای نگهبان، گزارش پژوهشی بررسی مفهوم حزب، ۱۳۹۲.
- مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، گزارش راهبردی چگونگی اثرگذاری نظام انتخاباتی موجود بر مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گزارش پژوهشی نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی و پیامدهای آن، ۱۳۹۲.